

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قیام ققنوس

خیزش ملت بزرگ ایران برای تغییر در
نظم منطقه و جهان

عنوان:

قیام ققنوس؛ خیزش ملت بزرگ ایران برای تغییر در نظم
منطقه و جهان

کاری از:

اندیشکده راهبردی سعدا
تحت اشراف حجت الاسلام والمسلمین راجی



سعدا
اندیشکده راهبردی



شکل: نقشه خاورمیانه مطلوب براساس طرح سرهنگ رالف پترز
حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، که بسیاری آن را ساختگی می دانند، بهانه ای برای آغاز این تهاجمات شد. ژنرال وزلی کلارک^۴ درخصوص طرح های پشت پرده موردنظر آمریکا از این جنگ ها فاش کرد که آمریکا قصد حمله به هفت کشور منطقه، از جمله ایران، را دارد. حمله به افغانستان در ۲۰۰۱ و عراق در ۲۰۰۳،

4. Wesley Clark

با استقرار صدها هزار نیروی آمریکایی در اطراف ایران، بخشی از این طرح بود. مقامات آمریکایی و اسرائیلی بارها از حمله قریب‌الوقوع به ایران، پس از حمله به عراق سخن گفتند. آن‌ها برای هر یک از این تهاجم‌ها هم بهانه‌ای برای افکار عمومی مطرح می‌کردند که بعداً مشخص می‌شد واقعیت نداشته و صرفاً یک توجیه غیرواقعی بوده است. مواردی چون «سلاح کشتار جمعی و تسلیحات موشکی صدام» (که پس از اینکه صدام تحت فشار تحریم‌ها، دسترسی کامل به بازرسان سازمان ملل داد و موشک‌های خود را هم به طور داوطلبانه منهدم کرد، علی‌رغم اینکه بازرسان گفتند صدام سلاح کشتار جمعی ندارد و عراق تک‌تک موشک‌های خود را از بین برد، ایالات متحده باز هم به آن حمله کرد)؛ یا قدرت موشکی و برنامه هسته‌ای لیبی (که پس از تسلیم لیبی در برابر تحریم‌های آمریکا و تعطیلی کامل برنامه هسته‌ای و تقلیل برد موشک‌ها، مورد حمله آمریکا و ناتو قرار گرفت و در بنغازی حمام خون به پا شد) یا «خطر بمب اتمی ایران» (موضوعی که بازرسان انرژی اتمی بارها اعلام کرده‌اند، فعالیت‌های هسته‌ای ایران صلح‌آمیز بوده و تهدیدی برای کسی نیست) را مطرح کردند؛ ادعاهایی که بعدها بی‌اساس بودن

و استفاده ابزاری ایالات متحده از آن‌ها برای توجیه سیاست‌های خصمانه‌اش ثابت شد.

عمق استراتژیک ایران: سپر مقاومت

با این حال، دو مانع بزرگ پیش روی این طرح قرار داشت: حزب‌الله لبنان و دولت بشار اسد در سوریه. حزب‌الله آماده بود در صورت حمله به ایران، شمال فلسطین اشغالی را هدف قرار دهد و سوریه نیز تهدیدی مستقیم برای اسرائیل بود. به همین دلیل، صهیونیست‌ها ابتدا به لبنان حمله کردند. در سال ۲۰۰۶، کاندولیزا رایس وزیر خارجه وقت آمریکا، هنگامی که در کنار نتانیا هوایستاده بود، این صدای بمباران این تهاجم را «ضجه‌های زایمان خاورمیانه جدید» نامید. اما ورود سردار شهید، حاج قاسم سلیمانی و نیروی قدس سپاه پاسداران، همراه با مقاومت حزب‌الله به رهبری سید حسن نصرالله، این حمله را در ۳۳ روز ناکام گذاشت.



پس از این شکست، تمرکز به سوریه معطوف شد. با حمایت از گروه‌های افراطی چون داعش، که خود مقامات آمریکایی به ساخت آن اعتراف کردند و مجروحین‌شان هم در بیمارستان‌های اسرائیل مداوا می‌شدند، جنگ داخلی در سوریه کلید خورد. اما، سردار شهید حاج قاسم سلیمانی و مدافعان حرم، این تهدید را خنثی کردند. این پیروزی‌ها، سایه جنگ را از ایران دور کرد و عمق استراتژیک ایران را تقویت نمود. جالب اینجاست که آمریکا در این سال‌ها ۸ تریلیون دلار (۵۰ درصد بودجه نظامی خود را) صرف جنگ‌های خاورمیانه‌ای کرده، درحالی‌که هزینه نظامی ایران، آن هم براساس ادعای مقامات آمریکایی، تنها ۲۰ میلیارد دلار بوده است؛ مبلغی که یک چهارصدم هزینه‌های واشنگتن، یک دهم بودجه دفاعی ایران و یک صدم کل بودجه ایران است.

آیمک: تلاش اقتصادی برای سلطه

پس از ناکامی‌های نظامی، اسرائیل به استراتژی اقتصادی روی آورد. کریدور آیمک (هند-خاورمیانه-اروپا) قرار بود اسرائیل را دروازه تجارت بین آسیا و اروپا کند و عادی‌سازی روابط با این رژیم را اجتناب‌ناپذیر سازد. اما اجرای این طرح نیازمند حذف مسئله

فلسطین بود. درواقع، اسرائیل قصد داشت تجارت بین دو قاره را منوط به به رسمیت شناختن و عادی سازی روابط با خود کند. لازمه اجرای این طرح، حل و فصل دائم مسئله فلسطین بود که رژیم صهیونیستی قصد داشت با حمله گسترده به غزه و کوچاندن اجباری فلسطینیان به کشورهای اطراف، کرانه باختری و غزه را به اسرائیل ملحق و از این طریق مسئله فلسطین را برای همیشه تمام کند. نقشه نتانیا هو، که در سال ۲۰۲۳ جهت نمایش پروژه آیمک در سازمان ملل نمایش داده شد، غزه و کرانه باختری را به اسرائیل الحاق کرده بود. حماس، با آگاهی از حمله قریب الوقوع اسرائیل به غزه در همین راستا، عملیات طوفان الاقصی را در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ آغاز کرد. این حمله پیش دستانه، ضمن انتقال ابتکار عمل به دست نیروهای مقاومت فلسطین، با موفقیت چشمگیر و اسارت صدها نفر انجام شد، هیمنه اسرائیل را درهم شکست و واکنش وحشیانه و عصبی این رژیم را در بمباران مردم بی پناه غزه به دنبال داشت.



تصویر: سخنرانی نتانیا هو در سال ۲۰۲۳ در سازمان ملل و نمایش نقشه آیمک که در آن تمامی بخش‌های اشغالی بخشی از اسرائیل است و از نظر صهیونیست‌ها عملاً دیگر وجود ندارند

طوفان الاقصی: بازگشت به نقطه صفر

این عملیات، اسرائیل را به ۷۰ سال پیش بازگرداند؛ زمانی که موجودیتش در خطر بود و به دنبال مشروعیت جهانی می‌گشت. پس از واکنش عصبی و منفعلانه رژیم صهیونیستی به طوفان الاقصی و کشتار و نسل‌کشی بی‌سابقه در نوار غزه، تنش‌های نظامی در سرزمین‌های اشغالی اوج گرفت و ناامنی بی‌سابقه‌ای بر سرزمین‌های تحت حاکمیت اسرائیل حاکم گشت. به طوری که بندر حیفا که قرار بود دروازه کلیدی آیمک برای اتصال به اروپا باشد در زیر آتش مستقیم نیروهای مقاومت قرار گرفت.



از طرفی اجماع بین المللی در محکومیت جنایات جنگی و نسل کشی های رژیم صهیونیستی خصوصاً اجماع در میان ملت های منطقه، راه عادی سازی روابط با اسرائیل را برای دولت های عرب حاشیه خلیج فارس، بسیار دشوار و حتی ناممکن کرده است. لذا کارشناسان بسیاری در سراسر دنیا، ادامه پروژه آیمک را در هاله ای از ابهام دیده و حتی برخی کارشناسان تصریح کرده اند که آیمک پیش از تولد، مرده است! وال استریت ژورنال در این خصوص نوشت: «حمله حماس همه چیز را تغییر داد. برای اسرائیل، مسئله بقا بازگشته است.»

آینده‌ای روشن در سایه مقاومت

اکنون نیز رژیم صهیونیستی در حال جنگ برای حفظ موجودیت خود است و جنگ را تنها راه بقای خود می‌بیند. ترور فرماندهان با عملیات‌های اطلاعاتی تنها چاره آن در هنگامی است که توان مقابله رویارو را ندارد. محور مقاومت ممکن است جراحات‌هایی برداشته باشد، اما از بین نرفته و حتی در برخی حوزه‌ها (مانند توان موشکی و پهپادی) قوی‌تر شده است. حملات کوبنده حزب‌الله پس از شهادت فرماندهان مقاومت که منتهی به درخواست آتش‌بس اسرائیل شد، گواه این مدعا است.



این نبرد مانند مسابقهٔ بوکس است: مقاومت همچنان ایستاده و آمادهٔ ضربه زدن است، اما اسرائیل به طناب‌های رینگ آویزان شده، نفس‌های آخر را می‌کشد و داور در حال شمارش معکوس برای اعلام شکست اوست. معادلهٔ نبرد کاملاً به نفع مقاومت است. این رژیم و آمریکا از پسِ گروه‌هایی چون حماس و حزب‌الله برنیامده‌اند، چه رسد به ایران. شاید این جنگ هزینه‌هایی داشته باشد، و هفته‌ها به طول بینجامد. ممکن است فرماندهان، دانشمندان و غیرنظامیان بیشتری را از دست بدهیم. ممکن است شرایط اقتصادی سخت‌تری را تجربه کنیم. اما پیروز نهایی این جنگ ایران است و پایان این جنگ، آغاز نظم منطقه‌ای و حتی جهانی جدیدی است که فرصت‌های سیاسی و اقتصادی آن برای پیشرفت ایران قابل مقایسه با قبل از این جنگ نخواهد بود.

ققنوس ایران از خاکستر تهدیدات سر برآورده و آماده پرواز است.